

رئوس مطالب دوره آموزشی مرور کلی بار قلبی مرکزی و حقیقت کنونی بازیابی خداوند قبل از ظهور او

عبارات کلیدی

آن «الماس» در «جعبه» کتاب مقدس،
آن مکاشفه است که خدا در مسیح تبدیل به انسان شده است
تا انسان در حیات و طبیعت اما نه در خدایی،
برای بناسازی بدن مسیح جهت تکمیل اورشلیم نو،
تبدیل به خدا شود.

آن قلمرو الهی و اسرارآمیز
که امروز می توانیم در آن وارد شویم و در آن زندگی کنیم،
در واقع فقط قلمرو الهی و اسرارآمیز خدای سه یکتا نیست،
بلکه قلمرو الهی و اسرارآمیز
روح تکمیل شده و مسیح پنوماتیک است.

ماندن در مسیح، برگرفتن او به عنوان محل سکونتمان،
و اجازه دادن به او که در ما بماند
و ما را به عنوان محل سکونت خود برگیرد،
زیستن در واقعیت پیوستگی عالمی
خدای سه یکتای فرآیند و تکمیل شده
با ایمانداران بازخریده شده و تولد تازه یافته است.

اورشلیم نو، ترکیبی است
از الهیت و انسانیت که با هم
به عنوان یک موجودیت، آمیخته، یکپارچه شده، و بنا شده اند؛
تمام اجزاء دارای حیات، طبیعت، و ساختار
یکسانی هستند
و از این رو یک شخص جمعی می باشند -
همان عروس، همسر برّه.

هدف نهایی اقتصاد خدا

پیام یک

هدف نهایی اقتصاد خدا -

خدا انسان شد تا انسان در حیات و طبیعت

اما نه در خدایی، تبدیل به خدا شود

برای بناسازی بدن مسیح

جهت تکمیل اورشلیم نو

مطالعه متون مقدس: افسسیان ۱: ۴-۵؛ ۵: ۲۶-۲۷؛

عبرانیان ۲: ۱۰-۱۱؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳

۱. آن «الماس» در «جعبه» کتاب مقدس، آن مکاشفه است که خدا در مسیح تبدیل به انسان شده است تا انسان در حیات و طبیعت اما نه در خدایی، برای بناسازی بدن مسیح جهت تکمیل اورشلیم نو، تبدیل به خدا شود:

آ. «بعد از این همه سال، خدا مرا بر آن واداشت تا فقط یک چیز را بدانم - خدا انسان شد تا انسان در حیات و طبیعت اما نه در خدایی، تبدیل به خدا شود.

این بار قلبی منحصر به فرد من، پیام منحصر به فرد من است.»

ب. اقتصاد جاودان خدا این است که انسان را در حیات و طبیعت اما نه در خدایی، مثل خود [خدا] کند و خودش را با انسان یکی کند و انسان را با خود [خدا] یکی کند، از این رو در ابرازش توسعه و گسترش یابد تا تمام صفات الهی او در فضایل انسانی ابراز شود - ۱ تیموتائوس ۱: ۳-۴؛ افسسیان ۳: ۹؛ ۱: ۱۰.

پ. خدا انسان را به طوری خاص آفرید - به صورت خود و موافق شبیه خود و با یک روح برای تماس با او و دریافت او. خدا نوع انسان را نیافرید؛ بلکه انسان را موافق شبیه خود [خدا] آفرید - پیدایش ۱: ۲۶؛ ۲: ۷؛ زکریا ۱۲: ۱.

ت. خدا انسان شد تا بازتولید انبوه خودش را داشته باشد، و در نتیجه، نوع جدیدی تولید کند - یوحنا ۱: ۱، ۱۴؛ ۱۲: ۲۴:

۱. این نوع جدید، نه نوع خداست و نه نوع انسان - این نوع خدا-انسان است.

۲. «بار قلبی من این است که به روشنی به شما نشان دهم که اقتصاد و برنامه خدا این است که او خودش را انسان و ما، مخلوقات خود، را "خدا" کند تا او "انسان-سازی" و ما "خدا-سازی" شویم»:

(آ) ما از خدای بزرگ متولد شده ایم، پس در حیات و طبیعت اما البته

نه در خدایی او، تبدیل به خدا می شویم. ما با خدا به عنوان مبدع

بزرگ خود در رده بندی بوده، و ما فرزندان او هستیم - غلاطیان

۴: ۶؛ اشعیا ۶۳: ۱۶؛ ۶۴: ۸؛ ۶۶: ۱۲-۱۳.

(ب) او یک خدا-انسان شد تا انسان بتواند یک انسان-خدا شود. عاقبت،

او و ما در یک دسته، از یک نوع و در یک سطح هستیم.

ث. آتنازیوس، یکی از پدران اولیه کلیسا، در مورد مسیح گفت: «او انسان ساخته شد تا ما بتوانیم خدا ساخته شویم»، و «کلمه جسم ساخته شد... تا ما، که شریک روح او هستیم، بتوانیم خدا ساخته شویم».

۲. شگرف‌ترین، عالی‌ترین، اسرارآمیزترین و شامل تمام‌ترین دگرگونی‌های خدای جاودان و سه یکتا در تبدیل شدن او به انسان، حرکت خدا در انسان برای به انجام رسیدن اقتصاد جاودان اوست - یوحنا ۱: ۱۴، ۲۹؛ ۳: ۱۴؛ ۱۲: ۲۴؛ اعمال ۱۳: ۳۳؛ ۱ پطرس ۱: ۳؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۵: ۴۵؛ اعمال ۲: ۳۶؛ ۵: ۳۱؛ عبرانیان ۴: ۱۴؛ ۹: ۱۵؛ ۷: ۲۲؛ ۸: ۲:

آ. این دگرگونی‌ها، فرآیندهایی هستند که خدای سه یکتا در خدا-انسان شدن خود از آنها عبور کرد، که الهیت را به درون انسانیت آورد و الهیت را با انسانیت به عنوان یک نمونه اصلی، برای بازتولید انبوه خدا-انسان‌های بسیار، آمیخت؛ او تجسم خدای سه یکتا شده، خدا را به انسان آورد و خدا را قابل تماس، قابل لمس، قابل دریافت، تجربه‌پذیر، قابل ورود، و مسرت‌بخش کرد - یوحنا ۱: ۱۴؛ ۱۲: ۲۴؛ کولسیان ۲: ۹.

ب. خدا در هوشع ۱۱: ۴ از این دگرگونی‌ها گفته، می‌گوید: «ایشان را به ریسمان‌های انسان / و به بندهای محبت جذب نمودم»؛ عبارت «به ریسمان‌های انسان و به بندهای محبت» نشان می‌دهد که خدا ما را با عشق الهی خود، نه در سطح الهیت بلکه در سطح انسانیت، دوست می‌دارد؛ عشق خدا، الهی است، ولی در ریسمان‌های انسان، به ما می‌رسد، یعنی از طریق انسانیت مسیح: ۱. ریسمان‌ها (دگرگونی‌ها، فرآیندها) که خداوند از طریق آنها ما را می‌کشاند [جذب می‌کند] شامل جسم پوشیدن، زندگی انسانی، مصلوب شدن، رستاخیز و صعود مسیح است؛ با همه این قدم‌های مسیح در انسانیتش است که عشق خدا در نجاتش به ما می‌رسد - ارمیا ۳۱: ۳؛ یوحنا ۳: ۱۴، ۱۶؛ ۶: ۴۴؛ ۱۲: ۳۲؛ رومیان ۵: ۵، ۸؛ ۱ یوحنا ۴: ۸-۱۰، ۱۶، ۱۹.

۲. جدا از مسیح، عشق سرمدی خدا، عشق تغییر ناپذیر و مهارکننده او، نمی‌تواند در رابطه با ما غالب باشد. عشق تغییر ناپذیر خدا غالب است زیرا عشقی در مسیح، با مسیح، توسط مسیح و برای مسیح می‌باشد.

۳. با وجود ناکامی‌ها و اشتباهات ما، عشق خدا همیشه پیروزمند است. عشق در همه چیز زنده می‌ماند و جای خود را برای همیشه نگه می‌دارد. فقط عشق از ویژگی‌های یک انسان بالغ است و تا ابد دوام خواهد آورد - رومیان ۸: ۳۵-۳۹؛ ۱ قرن‌تیاں ۱۳: ۸-۱۱؛ ارمیا ۳۱: ۳.

پ. از دوران باستان، از روزگار ابدیت، خدای سه یکتا در حال آماده شدن برای

هدف نهایی اقتصاد خدا

بیرون آمدن از ابدیت به درون زمان بود، تا توسط متولد شدن در بیت لحم به عنوان یک انسان، با الهیت خود به درون انسانیت آید - میگاه ۵: ۲.

۱. مقصود از جسم پوشیدن خدا، آوردن خدا به درون انسان بود تا انسان در حیات و طبیعت ولی نه در خدایی او، تبدیل به خدا شود. او یگانه خدا برای مردم است که او را در خدایی او پرستش کنند، ولی ما فقط در حیات و در طبیعت خدا هستیم، نه در خدایی.

۲. حرکت خدا در انسان و از طریق انسان، برای خدا ساختن انسان است، که انسان را در حیات، در طبیعت، در عملکرد، و در ابراز، ولی البته نه در خدایی، خدا کند؛ چون «آن روح آن قدوس» در روح ما توزیع شده است، ما و آن روح، یک روح هستیم (رومیان ۸: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷)، و روح ما اکنون «یک روح قدوس» است (۲ قرنتیان ۶: ۶).

۳. از این رو، ما به عنوان خدا-انسان ها نباید جدا از روح شامل تمام، هیچ اقدامی انجام دهیم، با هیچ وضعیتی مواجه شویم، و یا با هیچ نیازی روبرو گردیم. راهی که امروز باید در پیش بگیریم، راه حرکت در حرکت روح، و حرکت روح در حرکت ما است - مکاشفه ۲۲: ۱۷؛ رومیان ۸: ۴؛ غلاطیان ۵: ۲۵؛ رومیان ۱: ۹؛ فیلیپیان ۳: ۳؛ ر. ک. حزقیال ۱: ۱۵-۲۱.

۴. ر کتاب اعمال، انسان در حرکت خدا حرکت کرد، و خدا در حرکت انسان حرکت نمود. از این رو، رسولان به خدای فاعل تبدیل شدند، یعنی خدا در عملکرد - ۱۶: ۶-۱۰.

۳. تبدیل شدن ما به خدا در حیات و طبیعت اما نه در خدایی، توسط خدای پدر در ازلیت با انتخاب ما برای مقدس بودن آغاز شد، که ما را برای مقام پسری، از پیش معین کرد. تقدیس الهی برای مقام پسری الهی، مرکز اقتصاد الهی و اندیشه مرکزی مکاشفه در عهد جدید است - افسسیان ۱: ۴-۵:

آ. تقدیس شدن به معنای مقدس شدن است، که به معنای جدا شدن جهت خدا و اشباع شدن با خدا به عنوان آن قدوس است، آن که از هر چیز رایج متفاوت و متمایز است - ۱ پطرس ۱: ۱۵-۱۶؛ افسسیان ۱: ۴-۵.

ب. او ما را پیش از بنیاد عالم، در مسیح برگزید تا مقدس باشیم و تا در طبیعت تبدیل به خدا شویم (آ. ۴). خدا تنها کسی است که قدوس است. برای اینکه ما مقدس باشیم، به خدا در طبیعت قدوس او نیاز داریم که در ما توزیع شود، و این طبیعت قدوس، همان عنصر مقدس می شود که روح القدس ما را با آن تقدیس می کند (۲ پطرس ۱: ۴؛ عبرانیان ۱۴: ۱۲).

پ. حتی قبل از اینکه آفریده شویم، او ما را از پیش معین کرد برای مقام پسری، تا در حیات تبدیل به خدا شویم (افسسیان ۱: ۵). ما برای اینکه پسران خدا شویم،

باید توسط توزیع حیات خدا به درون وجودمان، از خدا متولد گردیم (یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۳: ۶؛ ۱ یوحنا ۵: ۱۱-۱۲):

۱. افسسیان ۱: ۴-۵ آشکار می کند که خدا ما را برگزید تا مقدس باشیم برای اینکه فرزندان خدا شویم. مقدس شدن، فرآیند، روش است، در حالی که پسران خدا بودن، نشان و هدف است، تا اینکه تمام وجود ما، از جمله بدنمان (رومیان ۸: ۲۳)، بتواند توسط خدا «پرسازی» شود (مکاشفه ۲: ۲۱، ۹-۱۱).

۲. عبرانیان ۲: ۱۰-۱۱ آشکار می سازد که مسیح رستخیز کرده به عنوان فرمانده و نویسنده نجات خدا، پسران بسیاری را با تقدیس آنها به جلال رهبری می کند.

۴. تقدیس الهی، خط نگهدارنده در انجام اقتصاد الهی است تا ما را به گونه ای الهی پرسازی کرده، ما را فرزندان خدا کند تا در حیات او و در طبیعت او (اما نه در خدایی او) مثل خدا شویم تا ابراز خدا باشیم. از این جهت، تقدیس خدا، پرسازی الهی است:

آ. ما می گوئیم که تقدس، خط نگهدارنده است زیرا هر پله از کار خدا در ما برای مقدس کردن ماست. انجام اقتصاد جاودان خدا، توسط تقدیس روح است
۱ – تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ یوحنا ۱۷: ۱۷؛ افسسیان ۵: ۲۶-۲۷؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۱؛ ۱۲: ۳؛ عبرانیان ۱۲: ۴-۱۴؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ افسسیان ۴: ۳۰؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۱۹؛ مکاشفه ۲: ۷؛ مزامیر ۷۳: ۱۶-۱۷، ۲۵-۲۶.

ب. تقدیس جوینده، تقدیس اولیه، به سوی توبه است تا ما را به خدا برگرداند –
۱ پطرس ۱: ۲؛ لوقا ۱۵: ۸-۱۰، ۱۷-۱۷؛ یوحنا ۱۶: ۸-۱۱.

پ. تقدیس بازخريد کننده، تقدیس جایگاهی، توسط خون مسیح است برای انتقال ما از آدم به مسیح – عبرانیان ۱۳: ۱۲؛ ۹: ۱۳-۱۴؛ ۱۰: ۲۹.

ت. تقدیس تولد تازه دهنده، آغاز تقدیس سرشتی است، که ما را از روحمان نومی کند تا ما گناهکاران را فرزندان خدا بسازد – یک خلقت نوین با حیات و طبیعت الهی – یوحنا ۱: ۱۲-۱۳؛ ۲ قرنتیان ۵: ۱۷؛ غلاطیان ۶: ۱۵.

ث. تقدیس نو کننده، ادامه تقدیس سرشتی، روان ما را از ذهنمان از طریق تمام اجزای روان ما، نومی کند تا روان ما را بخشی از خلقت نوین خدا کند – رومیان ۱۲: ۲؛ ۶: ۴؛ ۷: ۶؛ افسسیان ۴: ۲۳؛ حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷؛ ۲ قرنتیان ۴: ۱۶-۱۸.

ج. تقدیس دگرگون کننده، تقدیس روزانه، ما را با عنصر مسیح به طور سوخت و سازی بازسازی می کند تا ما را یک ساختار نو به عنوان بخشی از بدن ارگانیک مسیح کند – ۱ قرنتیان ۳: ۱۲؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۸.

هدف نهایی اقتصاد خدا

ج. تقدیس همشکل کننده، تقدیس شکل دهنده، ما را به صورت مسیح پرجلال شکل می دهد تا ما را ابراز مسیح کند. همشکل شدن ما، بلوغ ما در حیات الهی است که ما از طریق آن به طور کامل در الهیت خدا شرکت کرده و در تصرف عنصر الهی او استحکام می یابیم - رومیان ۸: ۲۸-۲۹؛ عبرانیان ۶: ۱.

ح. تقدیس جلال دهنده، تقدیس تکمیل کننده، بدن ما را با تبدیل کردن آن باز خرید می کند تا ما را به طور کامل و در جلال، ابراز مسیح سازد - فیلیپیان ۳: ۲۱؛ رومیان ۸: ۲۳.

۵. تقدیس الهی و سرشتی، توسط مسیح به عنوان روح حیات بخش، تقدیس کننده، و سخنگو انجام می شود - ۱ قرن ۱۵: ۴۵ ب؛ ۱ تسالونیکیان ۵: ۲۳؛ افسسیان ۵: ۲۶:

آ. مسیح به عنوان روح حیات بخش، کلیسا را با پاک کردن او با شستشوی آب در کلام، تقدیس می کند؛ بر طبق برداشت الهی، «آب» در اینجا اشاره دارد به حیات جاری خدا که با آب جاری مشخص می شود (خروج ۱۷: ۶؛ ۱ قرن ۱۰: ۴؛ یوحنا ۷: ۳۷-۳۹؛ مکاشفه ۷: ۱۷؛ ۲۱: ۶؛ ۲۲: ۱، ۱۷)؛ ما حالا در چنین فرآیند شستشو هستیم تا کلیسا مقدس و بی عیب باشد.

ب. کلمه یونانی برای «شستن» در افسسیان ۵: ۲۶ به طور تحت الفظی «حوض» است. کاهنان در عهد قدیم برای شستن آلودگی های زمینی خود از حوض استفاده می کردند (خروج ۳۰: ۱۸-۲۱). روز به روز، صبح و شب، ما باید به کتاب مقدس آمده و توسط حوض آب در کلام، پاک شویم.

پ. پولس وقتی که از کلام با فرآیند شستشوی آن می گوید، از کلمه یونانی «ریما» استفاده می کند (افسسیان ۵: ۲۶)؛ لوگس کلام خداست که به طور عینی در کتاب مقدس ثبت شده است. ریما کلام خداست که در یک موقعیت خاص به ما صحبت می شود (مرقس ۱۴: ۷۲؛ لوقا ۱: ۳۵-۳۸؛ ۵: ۵؛ ۲۴: ۱-۸).

ت. مسیح به عنوان روح حیات بخش، روح سخنگو است. هر چه او بگوید همان کلمه است که ما را می شوید؛ این به لوگس، کلمه ثابت اشاره نمی کند، بلکه به ریما اشاره دارد که بیانگر یک کلمه آنی است، کلمه ای که خداوند در حال حاضر با ما صحبت می کند - متی ۴: ۴؛ یوحنا ۶: ۶۳؛ مکاشفه ۲: ۷؛ ۲۲: ۱۷؛ ر. ک. ۶: ۱۰-۹؛ متی ۱۳: ۱۴-۱۵؛ اعمال ۲۸: ۲۵-۳۱.

ث. ریما چیزی را به طور شخصی و مستقیم برای ما آشکار می کند. آن به ما نشان می دهد که به چه چیز باید رسیدگی کنیم و از چه چیز باید پاک شویم (حوض برنجین، آینه ای بود که می توانست منعکس و افشا کند - خروج ۳۸: ۸)؛ نکته مهم برای هر یک از ما این است - آیا امروز خدا کلام خود را با من صحبت می کند؟ - مکاشفه ۲: ۷؛ ۱ سموئیل ۳: ۱، ۲۱؛ عاموس ۳: ۷.

- ج. یک چیزی که ما همیشه برای آن ارزش قائل هستیم این است که خداوند امروز هنوز به طور شخصی و مستقیم با ما صحبت می کند؛ رشد حقیقی در حیات بستگی به این دارد که ما کلام را مستقیماً از خدا دریافت کنیم. فقط سخن گفتن او در ما ارزش روحانی واقعی دارد - عبرانیان ۳: ۷-۱۱، ۱۵: ۴؛ ۷: مزامیر ۹۵: ۷-۸
- چ. نقطه مرکزی دعاهای ما باید اشتیاق ما به سخنان خداوند باشد، که ما را قادر می سازد تا هدف اقتصاد جاودان او را مطابق خواست قلبی او برای داشتن مقام پسری الهی اش، انجام دهیم - لوقا ۱: ۳۸؛ ۱۰: ۳۸-۴۲؛ افسسیان ۱: ۵.
- ح. به معنای بسیار عملی، حضور خداوند با سخنان او یکی است. هرگاه که او سخن می گوید، ما به حضور او در درون خود پی می بریم. سخن مسیح همان حضور روح حیات بخش است - ر.ک. خروج ۳۳: ۱۲-۱۷؛ عبرانیان ۱۱: ۸.
- خ. سخن مسیح ساکن در درون به عنوان روح حیات بخش درون ما، آب پاک کننده است که یک عنصر نو را به درون ما می گذارد تا جایگزین عنصر قدیمی در طبیعت و خلق و خوی ما باشد؛ این پاکسازی سوخت و سازی باعث یک تغییر اصیل و درونی در حیات می شود، که واقعیت تقدیس و دگرگونی سرشتی است.
۴. تقدیس شدن ما برای مقام پسری الهی در نهایت در اورشلیم نو به عنوان شهر مقدس (مکاشفه ۲۱: ۲، ۱۰) و مجموعه ای از مقام پسری الهی تکمیل می شود (آ. ۷). این تکمیل نهایی تبدیل شدن خدا به انسانی در جسم است تا انسان بتواند به خدا در آن روح تبدیل شود تا یک خدا-انسان جمعی و عظیم (آ. ۳، ۲۲) برای ابراز جمعی و جلال خدای سه یکتا کسب کند (آ. ۱۱، ۲۳).